

قوه قضائیه، لزوم و راهکارهای تعالی کیفیت علمی قضات *

عبداله سرگل زایی شریفی

(معاون قضائی دادگستری استان تهران)

مربوط به حقوق قضائی هستند باید نخبه‌های خود را برای خدمت در این قوه آماده کنند. آنچه در مرحله دوم برای قوه قضائیه ضرورت دارد، حق‌گرایی است که ناشی از عدالت و وجدان پاک و روح باطل ستیزی است. همه کسانی که در قوه قضائیه مشغول به کار هستند حتی کسانی که در بخشهای اداری و دفتری کار می‌کنند باید از این خصوصیات برخوردار باشند. باید قوه قضائیه خودش را از وجود افرادی که به خاطر نداشتن علم لازم و روحیه حق‌گرایی، مناسبتی با این قوه ندارند رها کند. (۲)

ساماندهی و نظام‌مند کردن قوه قضائیه و دستیابی به یک نظام علمی کارآمد قضائی به عنوان اولویت کاری قوه قضائیه، در برنامه سوم توسعه از سوی رئیس قوه قضائیه اعلام شده است. آیت‌الله شاهرودی، مدیریت علمی و نگرش همه‌جانبه‌را از مهمترین وظایف یک دستگاه قضائی بویا می‌داند و به همین جهت، بر طرح تدوین نظام علمی و کارآمد در بخش قضائی تأکید نموده است.

لزوم رعایت مقررات قانون آیین دادرسی به عنوان روش و طریق حاکم بر رسیدگیهای محاکم، و هم چنین ضرورت مستدل و مستند بودن تصمیمات و احکام (ماهوی) دادگاهها به قوانین موضوعه و شرع، موضوع اصل (۱۶۷) قانون اساسی، ضمن اینکه قوه قضائیه را به علمی‌ترین و تخصصی‌ترین قوه

گفته‌اند که «طرحی نو» باید ریخته شود. (۱) ایفای نقش مؤثر و برجسته قوه قضائیه، مستلزم وجود لوازم و ابزارهایی است که یکی از لوازم اساسی بویژه در کشورهایی که قانون منبع اصلی حقوق است، دانش قضائی لازم و اطلاع و اشراف جامع قضات به قوانین است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست.

در قوه قضائیه نظام جمهوری اسلامی، علم و آگاهی و معرفت لازم است. لذا، حوزه‌های علمیه و دانشکده‌های حقوق و مؤسساتی که

از بین قوای سه‌گانه هر حکومت، قوه قضائیه در تأمین عدالت، امنیت و سعادت جامعه نقشی مؤثر، برجسته و محوری دارد. استادان علوم سیاسی چهار دانشگاه آمریکا، انگلیس، کانادا و استرالیا در مرداد ماه ۱۳۷۵، متفقاً پرسشنامه‌ای را برای تعداد ۲۲۲۴ نفر از نخبگان چهار کشور مذکور ارسال داشتند و نظر آنان را در این زمینه که کدام یک از قوای سه‌گانه حکومت یک کشور در تأمین پیشرفت، آزادی، عدالت و امنیت داخلی «روابط مردم» جامعه، مؤثرتر است استعمال شده بود. پاسخ‌دهندگان که عمدتاً دارای تحصیلات عالی و مشاغلی از قبیل روزنامه‌نگاری، استادی دانشگاه، وکالت، قضاوت در دادگستری، کارشناسان و مقامهای ارشد دولتی را داشته‌اند، ۳۱ درصد قوه قضائیه را برگزیده‌اند که کنترل قانون‌شکنی و تنبیه خاطیان را بر عهده دارد و در کنار زیان‌دیدگان و مظلومان است، ۲۳ درصد قوه مجریه را، ۲۰/۷ درصد قوه مقننه را به عنوان قوه مؤثر مشخص کرده‌اند، ۱۳ درصد گفته‌اند که همکاری و هماهنگی و تشریک مساعی هر سه قوه حکومتی ضامن تأمین عدالت، آزادیها و پیشرفت یک کشور است، ۱۱ درصد نظر داده‌اند که تنها اگر قوه چهارم؛ یعنی مطبوعات و وظیفه خود را با صداقت انجام دهد تلاشهای سه قوه حکومتی نتیجه‌بخش خواهد بود، ۱/۳ درصد بقیه هم

در قوه قضائیه نظام
جمهوری اسلامی، علم و
آگاهی و معرفت لازم
است. لذا، حوزه‌های
علمیه و دانشکده‌های
حقوق و مؤسساتی که
مربوط به حقوق قضائی
هستند باید نخبه‌های
خود را برای خدمت در این
قوه آماده کنند.

کشور تبدیل نموده است توجه و تأکید بر تدوین و توسعه نظام علمی کارآمد را اجتناب ناپذیر ساخته است.

ملازمه کارساز اعتلای کیفیت علمی قضات در صدور آرا و تصمیمات صحیح و منطبق با قانون و نیز مؤثر در سرعت بخشیدن به رسیدگیهای برخوردار از کیفیت که در نهایت موجب تسریع در احقاق حق و ابطال باطل می‌شود؛ از اموری است که کاراً مورد اهتمام و تأکید مقام معظم رهبری واقع شده است، به طوری که در فرمان انتصاب آیت‌اله یزدی برای دوره دوم ریاست قوه، «تعالی بخشیدن به کیفیت علمی و عملی قضا و تربیت و جذب افراد عالم و بصیر» یکی از چهار نکته‌ای بود که به طور ویژه بر آن تأکید شده است. همچنین در فرمان انتصاب آیت‌اله شاهرودی، از تقویت دانش قضائی به عنوان یکی از لوازم اصلی و مؤثر در نایل شدن دستگاه قضائی به اجرای عدالت و قانون یاد شده است.

متأسفانه در دو دهه پس از انقلاب اسلامی، هیچ یک از مدیران قوه قضائیه آن چنان که باید، در جهت تعالی کیفیت علمی قضات اقدام مؤثر و مثبتی انجام نداده است. توشه علمی قضات عمدتاً همان اندوخته‌های چهار ساله دانشکده‌های حقوق و علوم حوزوی است و در طی مدت اشتغال به امر قضا، نه خود آن چنان که باید سهمی در تحقیقات و پژوهشهای حقوقی روز دارند و نه تسهیلاتی در زمینه فراگیری مستمر و تکمیل دانش قضائی روز برای آنان مهیا شده است. جالب اینکه، قریب به اتفاق افرادی که در دو دهه گذشته در جایگاه مدیریت و مسؤولیتهای مؤثر قوه قضائیه بوده‌اند؛ پس از اتمام مسؤولیت، به اهمیت و لزوم پژوهشهای حقوقی و مطالعات تخصصی منظم در این رشته پی برده‌اند. چنانکه آیت‌اله موسوی اردبیلی، در دانشگاه مفید دوره کارشناسی ارشد حقوق را دایر نموده، آقایان موسوی بجنوردی و مرعشی نجفی اعضای شورای عالی قضائی، در دوره‌های فوق لیسانس و

دکترای حقوق به تدریس مشغولند، آیت‌اله مقتدایی نیز - که فعلاً در قوه قضائیه سمت دارد - مرکز تخصصی قضا (ویژه طلاب) را در قم دایر نموده. کثرت ارجاع روزانه و رسیدگی به پرونده‌های متنوع ناشی از اجرای قانون دادگاههای عام، ضمن اینکه مجال و فرصت تمرکز و توجه لازم به قوانین را از قضات سلب نموده است، موجب فرسایش زودرس آنان نیز می‌شود. در حالی که تنوع دعاوی و موضوعات مختلف حقوقی، صلاحیت عام دادگاهها و

ساماندهی و نظام‌مند کردن قوه قضائیه و دستیابی به یک نظام علمی کارآمد قضائی به عنوان اولویت کاری قوه قضائیه، در برنامه سوم توسعه از سوی رئیس قوه قضائیه اعلام شده است

قضات، تحولات سریع و بعضاً شتابزده قوانین، ضرورت برنامه ریزیهای همه جانبه‌ای را برای مطالعات مستمر قضات شاغل به طور جدی طلب می‌کند. در این راستا حساسیت و تأکید آیت‌اله شاهرودی بر مدیریت علمی و نظام علمی کارآمد در دستگاه قضائی، چشم‌انداز روشنی را در جهت توسعه و تقویت دانش قضائی فراروی قوه قضائیه قرار داده است. آنچه در این مسیر مایه امید به تحقق و اجرای عملی این برنامه است؛ اینست که، ریاست قوه قضائیه خود شخصیتی

محقق، معتقد به نوآوری و عالم به کاربرد اساسی تحقیق و پژوهش در پویایی حوزه‌های مختلف علوم، از جمله دانش حقوق است.

در راستای تقویت دانش قضائی و اعتلای کیفیت علمی قضا، سه اقدام اساسی لازم و ضروری به نظر می‌رسد:

۱ - تسهیل و فراهم کردن دوره‌های تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) برای قضات.

۲ - تشویق و تقدیر از قضاتی که در کنار کار قضائی، با پژوهشهای حقوقی و ارائه مقالات علمی و شناسایی و معرفی روشهای برتر در احقاق حق، به اصلاح و کارآمد کردن نظام قضائی و مالاً توسعه قضائی کمک می‌کنند.

۳ - توجه به رفاه و معیشت قضات، و کاهش سطح درآمد بین وکیل و قاضی به منظور ایجاد زمینه جذب نخبگان حقوق به دستگاه قضائی، و جلوگیری از خروج قضات مستعد و توانا از این قوه.

آنچه به عنوان پیامدهای روشن و موفق چنین اقداماتی در دستگاه قضائی می‌توان یادکرد، به شرح زیر است:

۱ - تحصیلات تکمیلی دانشگاهی به لحاظ اینکه پژوهش و تحقیقات علمی در دروس مختلف از سوی دانشجوی (قضات) را به دنبال دارد؛ موجب تقویت توان علمی، حقوقی و تخصصی قضات گردیده و مالاً به قدرت استنباط صحیح‌تر آنان از قانون کمک می‌کند، و به هر میزان که استنباط قاضی از قانون و غرض قانونگذار نزدیکتر شود، تشخیص و رأی قاضی به عدل نزدیکتر است زیرا مبنای عدل قانون است.

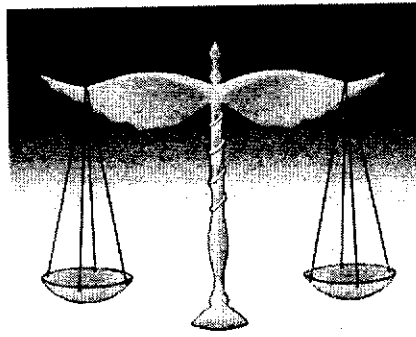
۲ - تحصیلات تکمیلی از طریق توانمندی علمی قضات و اشراف بیشتر آنان به قانون، در تسریع در رسیدگیهای برخوردار از کیفیت، کمک می‌کند.

۳ - چنانچه برنامه ثابت و مستمری برای طی تحصیلات تکمیلی برای قضات تصویب و اجراء شود، این اقدام علاوه بر اینکه ممکن است موجب جذب دانش‌آموختگان ممتاز و برجسته دانشکده‌های حقوق به دستگاه

در مقام ارزیابی و یا انتقادی که نسبت به عملکرد دیگر نهادها و سازمانهای مسؤول در بخشهای مختلف اقتصادی، فرهنگی یا سیاست خارجی و امثال آن مطرح می‌شود؛ مداخله و کارشکنی‌های اجانب و دشمنان نظام و انقلاب اسلامی را مؤثر بدانیم، این امر در عدم توفیق قوه قضائیه به عنوان دستگاهی که رئیس آن مستقیماً و قضات به عنوان بدنه فعال، اساسی و مؤثر آن با یک واسطه از سوی ولایت امر منصوب می‌شوند، در حصول به نتیجه و رسیدن به تراز کامل اسلامی و آرمانهای موردنظر در امر قضای اسلامی، مداخله و تأثیری نداشته و ندارد.

راهکارهای عملی و اجرائی تقویت دانش قضائی و کیفیت علمی قضات:

- ۱- یکی از امکانات بالفعل و آماده دستگاه قضائی در جهت توسعه تحصیلات تکمیلی قضات، وجود دانشکده علوم قضائی وابسته به این قوه است، این دانشگاه در حال حاضر، صرفاً در مقطع کارشناسی حقوق دانشجوی می‌پذیرد که با عنایت به افزایش سالانه فارغ‌التحصیلان حقوق در سطح کشور، و مآلاً امکان جذب قضات مبتدی از میان آنان، با موافقت مراجع ذیربط، مقطع کارشناسی در این دانشکده حذف و مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری ویژه قضات، در این دانشکده دایر گردد و در عین حال هیأت علمی آن نیز تقویت شود.
- ۲- چنانچه حذف کامل مقاطع کارشناسی در این مرحله به مصلحت نیست، ظرفیت مقطع کارشناسی را به نصف تقلیل داده و دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری نیز در این دانشکده دایر گردد.
- ۳- با عنایت به نقش مؤثر ریاست قوه قضائیه در شورای عالی انقلاب فرهنگی و حضور آقای رئیس جمهور که خود از چهره‌های فرهنگی و دانشگاهی است در رأس این شورا، و اینکه قطعاً جناب آقای خاتمی از ابتکار آیت‌الله شاهرودی در تلاش برای دستیابی به یک نظام علمی کارآمد و



اصلاح سایر دستگاههای اداری می‌شود، در عین حال از طریق احقاق حق و اجرای عدالت، در تقویت اعتماد و باورهای مردم به کارکرد مثبت دین در اداره جامعه تأثیر کلانی دارد. و اینکه اقامه قسط و عدل، هدف اصلی و اساسی در نظام اسلامی است. بنابراین، تجهیز و برنامه‌ریزی و شناسایی راهکارهای همه‌جانبه‌ای که دستگاه قضائی را به عنوان رسمی‌ترین نهاد نظام اسلامی و مسؤول مستقیم احقاق حق و اقامه عدل در انجام رسالت خطیر و برجسته آن کمک می‌کند، از ضرورت‌های جدی است که عنایت و اهتمام همه مسؤولین نظام را جلب می‌کند. زیرا اگر

**متأسفانه در دو دهه
پس از انقلاب اسلامی،
هیچ یک از مدیران قوه
قضائیه، آنچنانکه باید،
در جهت تعالی کیفیت
علمی قضات اقدام مؤثر
و مثبتی انجام نداده
است**

قضائی شود، در عین حال، از دفع کردن و خارج شدن قضات بصیر و عالم از قوه قضائیه جلوگیری می‌کند. زیرا ایجاد زمینه تحصیل و اخذ مدارج علمی دانشگاهی «فوق لیسانس و دکتری» نوعی امتیاز و ارزش معنوی است که باعث ایجاد جاذبه می‌شود.

۴- چنانچه دستگاه قضائی به جایی برسد که تمامی یا اکثریت قضات آن از مدارج و تحصیلات عالی دانشگاهی برخوردار باشند، موجب افزایش اعتبار نظام قضائی و آرای دادگاههای جمهوری اسلامی در صحنه بین‌الملل شده، و تا حدودی حربه «حقوق بشر» علیه دستگاه قضائی و نظام را از دشمن سلب می‌کند.

۵- افزایش معرفت و دانش قضائی، به تضمین و رعایت بیشتر حقوق و آزادیهای مشروع و مصرح در قانون اساسی از سوی دستگاه قضائی کمک می‌کند. زیرا تعدیاتی که بر اثر جهل به قانون و غرض قانونگذار از سوی افرادی که علم کافی ندارند، به حقوق و آزادیهای افراد صورت می‌گیرد، کمتر از اعمال تجاوز کارانه و تعمدی نخواهد بود.

۶- در قالب پایان نامه‌های فوق لیسانس و دکتری، بسیاری از موضوعات و مسائل مستحدثه حقوق اسلامی و نظام قضائی از سوی کسانی که خود متصدی امر قضاء هستند، با نگاه کاربردی مورد نقد و بررسی و تحلیل واقع می‌شود و با اطلاع و آگاهی از دیگر نظامهای حقوقی رایج در جهان، روشها و راهکارهای جدید و مؤثر در پیشگیری از وقوع جرم و احقاق حق نیز مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

۷- در حال حاضر، به‌رغم رایگان بودن تحصیلات تکمیلی، فارغ‌التحصیلان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری عموماً در مشاغل دیگری از قبیل وکالت، هیأت علمی دانشگاهها و کارشناس حقوقی ادارات دولتی، عمومی و بخش خصوصی مشغول به کار می‌شوند؛ که هر چند حضور در آن حوزه‌ها و مراکز نیز لازم و مفید است، اما از آنجا که کارآمدی دستگاه قضائی، ضمن اینکه موجب

تجهیز و برنامه‌ریزی و شناسایی راهکارهای همه جانبه‌ای که دستگاه قضائی را به عنوان رسمی‌ترین نهاد نظام اسلامی و مسئول مستقیم امحاق مق و اقامه عدل در انجام رسالت فطری و برجسته آن کمک می‌کند، از ضرورت‌های جدی است که عنایت و اهتمام همه مسؤولین نظام را جلب می‌کند

مدیریت علمی در قوه قضائیه حمایت می‌نماید؛ لذا با طرح اهمیت موضوع در شورا و لزوم تداوم تحصیلات تکمیلی قضات، از طریق مصوبه این شورا و با ارائه لایحه به مجلس شورای اسلامی، دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری برای قضات در کلیه دانشگاه‌های دولتی از جمله: دانشگاه تهران، شهید بهشتی، تربیت مدرس، علامه طباطبائی، شیراز، امام صادق (ع)، مفید قم و مدرسه عالی شهید مطهری، دایر شود.

۴- حداقل ۴۰ درصد ظرفیت تحصیلات تکمیلی در گرایشهای مختلف حقوق در دانشگاه‌های کشور به قضات اختصاص یابد.

۵- تقویت دوره کارآموزی قضائی با توجه به صلاحیت عام محاکم و قضات، از ضرورت‌های جدی و فوری است که مع الاسف آن چنان که باید به آن توجه نمی‌شود. اگر اساتید این دوره خود از برجستگی و توانایی‌های علمی و عملی بالایی برخوردار باشند، کارآموزان در شروع کار قضائی به حداکثر آمادگی نائل می‌شوند. در این راستا لازم است اساتید برجسته و ممتاز دانشکده‌های حقوق، وکلا و قضات زبده جهت تدریس در این دوره دعوت شوند.

۶- برگزاری سمینارهای مستمر علمی ضمن خدمت و در عین حال فشرده برای قضات سراسر کشور با حضور اساتید برجسته حقوق، قضات عالی‌رتبه و وکلای زبده و لزوماً در دانشکده‌های حقوق، و نه در هتلها و مهمانسراها.

۷- تخصیص بودجه برای تهیه تمامی کتب، مجلات و آثار حقوقی که در کشور منتشر می‌شود، برای تمامی دادگستریهای کشور، به طوری که هر دادگستری از یک کتابخانه حقوقی کامل و جامع برخوردار باشد. متأسفانه در حال حاضر در بعضی از شهرستانها حتی قوانین لازم‌الاجرا به سهولت و به موقع در اختیار قضات قرار نمی‌گیرد.

۸- نظارت و اطلاع رؤسای دادگستریها از نقض و ابرام آرای محاکم تابعه در مراجع تجدیدنظر، تهیه آمارهای ماهانه و سالانه از درصد نقض و ابرام آرای قضات هر دادگستری، و علاوه بر ارسال این آمارها به قوه قضائیه و دفتر ارزشیابی قضات، طرح و بحث مبانی نقض آرا در جلسات هفتگی قضات هر دادگستری، زیرا کیفیت واقعی علمی، استعداد و توانایی عملی قاضی در آرای صادره او که در دادگاههای تجدیدنظر و یا دیوان عالی کشور مورد بررسی و رسیدگی واقع شده به صحیح‌ترین شکل ممکن قابل ارزیابی است؛ و چنانچه این روش نظارت، به طور مستمر و دایم از سوی مدیریت قضائی کشور بر آرا و تصمیمات قضات اعمال گردد، قطعاً از صدور آرای ضعیف و تصمیمات خلاف قانون کاسته خواهد شد.

در این راستا، با توجه به استقرار دادگاههای تجدیدنظر در مراکز استانها، رؤسای کل دادگستری استانها می‌توانند از آرای صادره دادگاههای عمومی و تجدیدنظر در کلیه پرونده‌هایی که از دادگستریهای سراسر استان به مرکز استان ارسال می‌شود، رونوشت تهیه کرده و ضمن اینکه خود از وضعیت و کیفیت علمی قضات تابعه استان تحت مدیریت مطلع می‌شوند، مراتب ضعف آرا را به قضات صادرکننده منعکس نموده تا نسبت به برطرف

کردن آن در تصمیمات و آرای بعدی اقدام نمایند.

۹- در حال حاضر تنها ملاک و ضابطه ثابت و سنتی که برای ترفیع و اخذ پایه قضائی بالاتر برای قضات وجود دارد، ملاحظه پرونده‌هایی است که از سوی آنان مورد رسیدگی واقع شده؛ بعلاوه، توقف برای مدتی در پایه قضائی قبلی نیز یکی از ملاکها می‌باشد.

لذا پیشنهاد می‌شود، آثار علمی قلمی و پژوهشهای حقوقی قضات نیز ملاک ترفیع محسوب شود و یا اینکه قضات محقق، مدت زمان کمتری در پایه قضائی توقف نمایند، و یا اینکه ریاست قوه قضائیه به چنین قضائی پایه‌های تشویقی اعطا نماید، همچنین آثار علمی و حقوقی قضات در انتصاب آنان به سمتهای قضائی بالاتر ملاک محاسبه واقع شود.

پی‌نوشتها:

* اصل این مقاله در مهر ماه ۱۳۷۸ جهت ملاحظه ریاست محترم قوه قضائیه ارسال شده است.

۱- نشریه کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۸، مهرماه ۷۵، ص ۶.

۲- از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره‌های ۱۳ و ۱۴، سال ۷۴، ص ۱۴.

کثرت ارجاع روزانه و رسیدگی به پرونده‌های متنوع ناشی از اجرای قانون دادگاههای عام، ضمن اینکه مجال و فرصت تمرکز و توجه لازم به قوانین را از قضات سلب نموده است، موجب فرسایش زودرس آنان نیز می‌شود.